

# END DOES NOT JUSTIFY MEANS

<http://www.ghandchi.com/270-EndMeans-plus.htm>

## هدف وسیله را توجیه نمیکند

نه سال پیش در تابستان 1994 بمبی در شهر مشهد منفجر شد که تعدادی از زائران امام رضا را کشت. رژیم جمهوری اسلامی مجاهدین خلق را مقصر آن فاجعه خواند، ولی مجاهدین هیچگاه مسئولیت آنرا به عهده نگرفتند. در آنسال من در مقاله ای تحت عنوان [Reza Emaam e-Zavvar What Killed](#) ، نوشتم که سیستم فکری معتقد به "هدف وسیله را توجیه میکند"، قاتل آن بیگناهان بوده است. متأسفانه آن فاجعه نه آغاز چنین دیدگاهی در جنبش سیاسی ما بود و نه پایان آن.

در سالهای اول بعد از انقلاب، زمان آزادی سندیج، شکنجه پاسداران زندانی توسط گروههای سیاسی در کردستان، بخاطر گرفتن اطلاعات جهت نجات جان مبارزین در خطر، مشروع قلمداد میشد.

همه ما فاجعه سینما رکس آبادان را به یاد میاوریم که اپوزیسیون اسلامگرا بخاطر هدف سیاسی خود علیه رژیم شاه، انجام چنین جنایت هولناکی را مشروع دانسته و به آن دست زد. سالها قبل از آن، قتل شریف واقفی توسط شاخه کمونیستی مجاهدین، نمونه دیگر چنین طرز فکری بود. و چند دهه قبل از آن، نسل دیگری از جنبش سیاسی ایران، شاهد قتل روزنامه نگار معروف محمد مسعود توسط حزب توده بود.

ساواک رژیم شاه و دستگاه امنیتی رژیم جمهوری اسلامی نیز استفاده از هر وسیله ای را برای رسیدن به هدف جایز می شماردند. همه ما از جنایت هولناک قتل داریوش و پروانه فروهر آگاهیم. ایدئولوژی مرتکبین این جنایات متفاوت است، ولی اشتراکشان در آن است که فکر میکنند "هدف وسیله را توجیه میکند".

بله با سانسور و سکوت اپوزیسیون، نان به هم قرض دادن ها شروع میشود، و با قتل شریف واقفی ها و فروهرها "هدف وسیله را توجیه میکند" ادامه مییابد. تحت عنوان وحدت سکوت میکنیم و پس از رژیم شاه با هزاران کشته، رژیم جمهوری اسلامی رابه ارمان میاوریم، و بعداً با ملیونها کشته، چه بسا رژیم شیطان دیگری نصیبمان شود.

آنچه محمد مسعود ها، شریف واقفی ها، قربانیان سینما رکس، و فروهرها را کشت طرز فکری است که در میان بعضی طرفداران \*همه\* گروههای مذهبی و سیاسی وجود دارد، و آن دیدگاه "هدف وسیله را توجیه میکند" است که دروغ گفتن، شایعه سازی، و بالاخره قتل مخالفین را توجیه میکند. از ورود مستقیم به بحث سیاسی با هزار دروغ و ظاهر سازی درباره اصطلاح "وحدت" طفره میرود، و تهی بودن فکری و عدم توان مجادله سیاسی را با پوشش مناسب اتحاد مخفی میکند، و وقتی سانسور کار نکند، به ترور شخصیت مخالفین خود میپردازند، و اگر آن هم نشد مخالفین را میکشند. این فقط رژیم شاه و جمهوری اسلامی نبودند که وقتی سانسور کارا نشد، گلسرخی ها و مختاری ها را کشتند، بلکه اپوزیسیون بود که محمد مسعودها و شریف واقفی هارا کشت بجای آنکه با آنها مجادله سیاسی کند، و هنوز هم اسمش را میگذارند اتحاد خواهی.

محمد مسعود را حزب توده کشت. در سالهای 1320-32 حزب توده یکی از دو روزنامه اصلی اپوزیسیون را داشت، و نیروی پر قدرت اپوزیسیون بود و از قدرت خود اینچنین بر علیه یک روزنامه نگار مستقل استفاده کرد، چرا که محمد مسعود با حزب توده مخالف بود، و برای حزب توده دیگر فقط سانسور وی کافی نبود و از طرف وی احساس خطر میکرد، و سالها آن قتل را بگردن رژیم انداخت، همانگونه که مجاهدین م.ل. قتل شریف واقفی را به گردن رژیم انداختند و همانگونه که اسلامگرایان در انقلاب 57، جنایت هولناک سینما رکس را بگردن رژیم شاه انداختند.

اینان انقدر صداقت سیاسی نداشتند که بگویند مسأله شخصی نبوده و برای \*هدف سیاسی\* شان این جنایات را جاز می‌دانند، و اینکه هیچکدام از این وقایع اتفاقی نبوده، و همه با برنامه و قصد قبلی انجام شده اند، و در دیدگاه این گروه ها توسل به دروغ و جنایت یا هر وسیله دیگری برای نیل به هدف "مقدسشان" در اختلافات سیاسی، مشروع است.

بنظر من یک نفر میتواند حامی دموکرات ترین گروه ها باشد و لی به این طرز فکر مبتلا باشد که "هدف وسیله را توجیه میکند"، و بالعکس یک نفر ممکن است در دیکتاتوری ترین گروهها باشد و لی این طرز فکر را نداشته باشد. البته بایستی ذکر کنم که گروه های فناتیک کمونیست و اسلامگرا، طرز فکری را رواج میدادند، که گوئی دروغ و جنایت بخاطر نیل به "هدف مقدس" عالی تر، مقبول است. بنظر من این طرز فکر کشنده بی گناهان در نقاط مختلف جهان بوده است. دروغ ها و جعلیات رژیم استالین در تسویه حزبی 1937 را همه میدانند.

چرا هنوز در مورد های مشابه خفه کردن سیاسی سکوت میکنیم؟ چرا نمیگوئیم که سانسور محکوم است و پله بعدی اش توجیه تسویه های استالینی است. چرا نمیگوئیم که ما خواهان مجادله سیاسی هستیم و آنرا زندگی آفرین میدانیم، و نه خفقان و سانسور این "مصلحین" فناتیک را، که تحت عنوان حمایت از اهداف "مقدس" و "اتحاد" مشغول حفظ موقعیتی هستند که بدون لیاقت در جنبش سیاسی دارند، و نظیر کیانوری ها و تقی شهرام ها، با دروغ و شایعات در حق مخالفین، و با تصویر غلط از شعار اتحاد، طرح و بحث اختلافات سیاسی را تخطئه میکنند و محل اتحاد چلوه میدهند، انگار که اینان کسی را متحد کرده اند.

درواقع شخصی چلوه دادن اختلافات سیاسی، و بزیر فرش زدن اختلافات سیاسی، باعث شده است که چپ ایران از عرضه کنندگان جمهوری اسلامی به ملت ایران شود، و هنوز هم از هرچه میگویند، ولی نمیگویند که چگونه به زنان گفتند رو سری به سر کنند، و چگونه از گروگان گیری پشتیبانی کردند. تا کی میخواهند این اشتباهات بزرگ سیاسی که باعث نابودی یک نسل از ملت ایران شد را شخصی کرده، و با ترور شخصیت مخالفین \*سیاسی\* خود، بر آنچه اینان به مردم ایران کردند سرپوش گذارند. ، آیا امروز بر کسی پوشیده است که چگونه اینان به پیروزی ارتجاع اسلام گرایاری رساندند.

آیا این همه سال تجویز اصلاح طلبان حکومتی از یک سو، و مرگ فروهر ها، مختاری ها و کاظمی ها از سوی دیگر، کافی نبوده که اینان از بیراهه ای که برای ملت تجویز کردند انتقاد کنند، بعوض در انتخابات شوراها در اسفندماه، دوباره ملت را به صندوق های رأی شوراها خواندند، و مخالفین را سانسور کردند، و وقتی مردم انتخابات را بایکوت کردند، باز هم با سانسور سعی کردند وانمود کنند که موضع سیاسی اینان اشتباه جدی نبوده است.

چقدر این دسته از چپگرایان و اسلامگرایان متحدشان شبیه اند. هر دو فکر میکنند با سانسور مخالفین، کسی از جهت گیری مکرر ارتجاعي اینان در 24 سال گذشته آگاه نیست، که نه تنها نقش اساسی را در بروی کار آوردن یکی از ارتجاعي ترین حکومت های تاریخ معاصر جهان داشته اند، بلکه بعد از انقلاب، در سقوط بازارگان و گروگانگیری نقش داشته، و تا به امروز از رژیم پشتیبانی کرده اند. بله هدف اینان کمونیسم است و از نظرشان بقیه وسیله است، و اینچنین اشتباهات سیاسی خود را توجیه میکنند، و بصورت مسأله دعوی شخصی با مخالفین شان نشان میدهند.

جنبش کمونیستی در یک صد سال گذشته بیش از هر جریان ایدئولوژیک و سیاسی دیگری به اندیشه "هدف وسیله را توجیه میکند" مبتلا بوده. برای ارزیابی دقیق این روند به کتاب کولاکوسکی تحت عنوان جریانات اصلی مارکسیسم مراجعه کنید. کمونیستها همانند اسلامگرایان، این تصور باطل را داشته اند که گویا نماینده زحمتکشان جامعه اند، و بخود حق داده اند که هر حق کثی را بنام طبقه کارگر انجام دهند، همانگونه که خمینی همین حق کثی ها را بنام مستضعفین میکرد.

من انسانهایی را شناخته ام که طرفدار جمهوری اسلامی یا سلطنت یا کمونیست یا مجاهد یا لیبرال بوده اند، ولی معیار های شخصی داشته اند که دروغ نمیگفتند و معیار حد اقلی داشتند که زیر بار فشار تشکیلات، "هدف وسیله را توجیه میکند" را قبول نمیکردند، و مقاومت میکردند. گویی آنها نقطه مرجعی در درون خود reference point within دارند که به آنها اجازه چنین عملکرد هائی را نمیدهد. در واقع اینگونه انسانها بیشتر موقعی زجر میکشند که کسی که از نظر فکر سیاسی به آنها نزدیک تر است، از "هدف وسیله را توجیه میکند" پیروی کرده، سانسور کند، شکنجه کند و در اختلاف سیاسی شریف واقفی ها را بکشد.

چه بسیاری که هر جنایتی را بنام صلح، آزادی، مذهب، کشور و دیگر هدف های باصطلاح "مقدس" انجام میدهند. نه هدف وسیله را توجیه نمیکند و زمان آن فرا رسیده که جنبش سیاسی ایران این ارثیه نا میمون را به دور بریزد و اعلام کند هیچ هدف "مقدسی" توجیه گر دیکتاتوری پرولتاریا، یا سانسور، شکنجه، و قتل مخالفین سیاسی محض خاطر پرولتاریا، یا بخاطر هیچ هدف "مقدس" دیگری نیست.

سام قندچی، ناشر و سردبیر  
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

7 مهر 1382

Sept 29, 2003

مقالات تئوریک

<http://www.ghandchi.com/BasicWritings.htm>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>